



ORIGINAL RESEARCH PAPER

A Jurisprudential and Legal Analysis of the Franchise Institution in Light of the Iranian Commercial Bill (With an Emphasis on the Pre-contractual Phase)

Ali Nejati Fard ¹, Siamak Qiasi Sarki ^{2*}, Alireza Entezari Najafabadi ³

Received:

15 Dec 2025

Revised:

21 Feb 2026

Accepted:

19 Apr 2026

Available Online:

22 Dec 2026

Keywords:

Franchise, Pre-Contractual Stage, Franchisor, Franchisee, Franchise Agreement, Commercial Agency.

Abstract

The franchise agreement is among the types of contracts explicitly addressed following the emergence and systematic recognition of intellectual property rights—specifically within the Iranian Commercial Bill. This agreement constitutes a legal relationship between a franchisor (the holder of intellectual property rights) and a franchisee, established for a defined period to facilitate the exploitation of certain intellectual property rights belonging to the franchisor. In its modern form, this type of agreement lacks a precedent in traditional jurisprudential sources; consequently, prior to the introduction of the Iranian Commercial Bill, it had not been mentioned in the country's statutory laws. Employing a descriptive-analytical approach and drawing upon jurisprudential and legal foundations, this article seeks to analyze and establish the legitimacy of the franchise institution, while also providing a legislative critique and evaluation of its pre-contractual phase as presented in the Iranian Commercial Bill. The findings of this research indicate that, while the pre-contractual provisions of the Commercial Bill are generally consistent and compatible with the principles and standards of Islamic law, there remain certain shortcomings and ambiguities. These issues necessitate revisions, supplementation, the inclusion of interpretive notes, or even the addition of a separate, independent article. Consequently, the realization of legitimate and efficient competition within a franchise network depends upon the review and refinement of the existing regulations.

1 Al-Mustafa International University, Iran.

2* Al-Mustafa International University, Iran. (Corresponding Author)

3 Al-Mustafa International University, Iran.

Please Cite This Article As: Nejati Fard, A; Qiasi Sarki, S & Entezari Najafabadi, A (2026). "A Jurisprudential and Legal Analysis of the Franchise Institution in Light of the Iranian Commercial Bill (With an Emphasis on the Pre-contractual Phase)". *Interdisciplinary Legal Research*, 7(5): 87-99.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی

(صفحات ۹۹-۸۷)

واکاوی فقهی و حقوقی نهاد فرانچایز در پرتو لایحه‌ی تجارت ایران (با تأکید بر مرحله‌ی پیش‌قراردادی)

علی نجاتی‌فرد^۱، سیامک قیاسی‌سرکی^{۲*}، علیرضا انتظاری نجف‌آبادی^۳

۱. جامعه المصطفی العالمیه، ایران.

۲. جامعه المصطفی العالمیه، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. جامعه المصطفی العالمیه، ایران.

دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۴ ویرایش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۳۰ انتشار: ۱۴۰۵/۱۰/۰۱

چکیده

از جمله قراردادهایی که پس از ظهور و شناسایی نظام‌مند حقوق مالکیت فکری و به‌طور خاص در لایحه‌ی تجارت ایران بدان تصریح گردیده، قرارداد فرانچایز است. این قرارداد، رابطه‌ای حقوقی است میان امتیاز دهنده، به‌عنوان دارنده حقوق مالکیت فکری از یک‌سو، و امتیاز گیرنده از سوی دیگر که به‌منظور بهره‌برداری از پاره‌ای حقوق مالکیت فکری متعلق به امتیاز دهنده، برای مدتی معین منعقد می‌گردد. این قرارداد به‌صورت امروزی، فاقد پیشینه در منابع فقهی است و از همین رو تا پیش از تصویب لایحه‌ی تجارت ایران، در قوانین موضوعه کشور بدان اشاره‌ای نشده بود. این مقاله با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به مبانی فقهی-حقوقی، می‌کوشد ضمن تحلیل و احراز مشروعیت، به نقد و ارزیابی تقنینی مرحله‌ی پیش‌قراردادی نهاد فرانچایز در لایحه‌ی تجارت بپردازد. برآیند پژوهش حکایت از آن دارد که مواد پیش‌قراردادی لایحه‌ی تجارت، هر چند در کلیت خود با اصول و موازین حقوق اسلامی سازگاری و همخوانی دارد، اما در پاره‌ای موارد کاستی‌ها و ابهاماتی وجود دارد که ضرورت اصلاح، تکمیل، الحاق تبصره‌های تفسیری یا حتی افزودن ماده‌ای مستقل را ایجاب می‌کند؛ بدین‌سان، تحقق رقابتی مشروع و کارآمد در شبکه‌ی فرانچایز، در گرو بازنگری و تدقیق مقررات موجود خواهد بود.

کلمات کلیدی: فرانچایز، مرحله پیش‌قراردادی، امتیاز دهنده، امتیاز گیرنده، قرارداد فرانچایز، نمایندگی تجاری.

مقدمه

در پهنه‌ی تجارت بین‌الملل، فرانچایز به‌عنوان الگویی ساختاریافته و کارآمد برای گسترش بنگاه‌های اقتصادی، جایگاهی منحصربه‌فرد یافته است. این نهاد که مبتنی بر انتقال نظام‌مند دانش فنی، نشان تجاری و روش‌های مدیریتی از امتیاز دهنده به امتیاز گیرنده است، علاوه بر نقش محرک اقتصادی، تجلی‌گر رابطه‌ای پیچیده مبتنی بر اعتماد و سرمایه‌گذاری مشترک می‌باشد. با این وجود، ماهیت نابرابر این رابطه قراردادی و عدم تقارن اطلاعاتی، همواره امکان سوءاستفاده طرف برتر و تحمیل خسارات گسترده به طرف ضعیف‌تر و بی‌نظمی اقتصادی عمومی را فراهم می‌سازد. در حقوق ایران، علی‌رغم اقبال روزافزون به این شیوه، خلأ تقنینی یک چارچوب جامع و شفاف که صراحتاً به الزامات، حقوق و سازوکارهای نظارتی این نهاد بپردازد، محسوس است. این کمبود قانونی، زمینه‌ساز اختلافات، ناپایداری در روابط طرفین و مانعی در مسیر توسعه اقتصاد پایدار شده است. لایحه تجارت با شناسایی این ضرورت، گامی بنیادین در جهت تنظیم این عرصه برداشته و با اختصاص فصلی مستقل به قرارداد فرانچایز، می‌کوشد با تعریف دقیق مفاهیم، ترسیم حدود تعهدات در مراحل مختلف قرارداد و پیش‌بینی ضمانت اجرا، چهارچوبی منسجم و عادلانه ارائه نماید.

تحلیل پیش‌رو بر آن است تا با واکاوی فقهی حقوقی مواد مرحله پیش قراردادی این فصل، آثار و پیامدهای تقنینی آن را مورد ارزیابی قرار دهد. پرسش محوری این پژوهش آن است که این مواد تا چه حد توانسته بین «حقوق مشروع امتیاز دهنده» و «ضرورت حمایت از امتیاز گیرنده در برابر صدمه‌های اطلاعاتی و قراردادی» تعادلی منطقی و همسو با موازین فقه اسلامی برقرار سازد؟ و چگونه می‌توان در پرتو مبانی فقهی حقوقی، مشروعیت و کارآمدی این مقررات را تبیین نمود؟

هدف نهایی، تبیین نقاط قوت مرحله پیش قراردادی این فصل از لایحه، همراه با شناسایی کاستی‌ها و ابهامات آن و ارائه پیشنهاد‌های تقنینی خواهد بود تا بستر حقوقی مناسب برای اجرای موفق این نهاد در اقتصاد ایران فراهم آورد.

۱- لایحه تجارت (نهاد فرانچایز)

ماده ۳۱۳ لایحه تجارت «فرانچایز» را این‌گونه تعریف نموده است: «اعطای امتیاز کسب‌وکار (فرانچایز) قراردادی است که به

موجب آن دارنده یک کسب‌وکار حق استفاده از مالکیت فکری خود در آن کسب‌وکار مانند: نام، علامت تجاری و دانش فنی را به منظور راه‌اندازی و انجام همان کسب‌وکار تحت همان نام و علامت و با شرایط معین و با کمک و تحت نظارت مستمر خود در محدوده جغرافیایی معین به دیگری اعطاء می‌کند».

۱-۱- مرحله پیش قراردادی

• ارائه اطلاعات ضروری و صحیح به متقاضی، پیش از انعقاد قرارداد؛ این اطلاعات شامل ساختار شبکه، سوابق دعاوی و ورشکستگی، حقوق مالکیت فکری و مشخصات سایر فرانچایز گیرندگان است. عدم ارائه یا ارائه اطلاعات خلاف واقع، موجب مسؤولیت جبران خسارت و حق فسخ برای طرف مقابل می‌شود.

• فرانچایز دهنده باید حقوق مالکیت فکری موضوع قرارداد را قانوناً کسب و در صورت لزوم ثبت کرده و ضامن اعتبار آن در طول قرارداد باشد.

۱-۲- مرحله انعقاد قرارداد

• **تعریف قرارداد:** قراردادی است که به موجب آن حق استفاده از مالکیت فکری (نام، علامت تجاری، دانش فنی) یک کسب‌وکار، برای راه‌اندازی و انجام همان کسب‌وکار تحت نظارت مستمر، در محدوده جغرافیایی معین، به دیگری اعطاء می‌شود.

• **استقلال فرانچایز گیرنده:** فرانچایز گیرنده شخصیتی مستقل دارد و به نام و حساب خود فعالیت می‌کند.

• **ثبت قرارداد:** ثبت قرارداد نزد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور الزامی است. قرارداد باید حاوی حداقل موارد چهارده‌گانه مشخصی از جمله: هویت طرفین، تعهدات، مالکیت فکری، مدت و شرایط پس از خاتمه باشد. عدم ثبت، علاوه بر مجازات (پلمب محل کسب)، امکان استناد علیه اشخاص ثالث ناآگاه را سلب می‌کند.

• **جرم انتساب غیرمجاز:** انتساب بدون قرارداد به یک شبکه فرانچایز، جرم محسوب و مستلزم جبران خسارت و جزای نقدی است.

۱-۳- مرحله اجرای قرارداد

۱-۳-۱- تعهدات فرانچایز دهنده

• ارائه دانش فنی، آموزش‌های لازم و به‌روزرسانی آن‌ها.

- اقدام لازم برای جلوگیری از نقض حقوق مالکیت فکری توسط اشخاص ثالث.
- نظارت بر عملکرد فرانچایز گیرنده برای حفظ استانداردها و کیفیت.
- خودداری از رقابت در منطقه انحصاری.
- انجام اقدامات لازم و متعارف (مانند تبلیغات) برای حفظ و ارتقاء شهرت شبکه.

۲-۳-۱- تعهدات فرانچایز گیرنده

- رعایت روش تجاری و دستورالعمل‌های فرانچایز دهنده تا حدی که به استقلال وی لطمه نزند.
- فراهم کردن حق دسترسی فرانچایز دهنده به محل فعالیت و دفاتر مالی برای نظارت.
- خودداری از هر اقدامی که موجب خدشه به اعتبار و شهرت شبکه شود.

۴-۱- مرحله اختتام قرارداد

- شرایط پس از خاتمه: باید در خود قرارداد پیش‌بینی شود (مانند سرنوشت کسب‌وکار پس از فوت فرانچایز گیرنده یا تغییر مالکیت فکری).
- شرط عدم رقابت: امکان شرط منع رقابت فرانچایز گیرنده در همان منطقه جغرافیایی حداکثر به مدت دو سال پس از انقضای قرارداد وجود دارد.
- سرنوشت موجودی کالا: پس از انقضا، فرانچایز گیرنده حق فروش موجودی با شرایط قرارداد را دارد، مگر این‌که فرانچایز دهنده خواهان خرید آن به قیمت روز باشد.

۲- نقد و بررسی لایحه تجارت

در نظام حقوقی ایران، لزوم بازنگری مداوم قوانین تجاری، امری انکارناپذیر است. شتاب فزاینده‌ی تحولات اقتصادی و ظهور مقررات بین‌المللی نوین که گاه با موازین شرعی، هم‌خوانی ندارند قوانین موجود را با چالش‌هایی جدی مواجه ساخته‌اند. در این میان، «لایحه تجارت» به‌مثابه سندی بنیادین که می‌بایست چارچوب مناسبات تجاری قرن حاضر را ترسیم نماید، از اهمیتی ویژه برخوردار است. از این‌رو، تحلیل فقهی حقوقی و واکاوی انتقادی بخش «قرارداد فرانچایز» این لایحه، برای دستیابی به قانونی کارآمد، جامع و پاسخگوی نیازهای واقعی جامعه‌ی بازرگانی، نه انتخابی اختیاری که ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

این بررسی، گواهی بر توانمندی نظام حقوقی ایران در تطبیق با مقتضیات تجارت مدرن خواهد بود؛ حال‌آنکه غفلت از نقدی دقیق و همه‌جانبه، می‌تواند به ایجاد چارچوبی ناقص، مبهم و غیرعملی بینجامد که به‌جای تسهیل امر تجارت، به منبعی برای اختلافات حقوقی مبدل گردد. در مقابل، تأملی عمیق و نقادانه می‌تواند سنگ بنایی استوار برای میراثی ماندگار در عرصه‌ی تجارت ایران فراهم آورد.

۳- مرحله پیش قراردادی

دوره پیش قراردادی به مرحله‌ای حیاتی اشاره دارد که پس از ابراز تمایل اولیه طرفین برای انعقاد قرارداد آغاز می‌شود، اما پیش از امضای قرارداد اصلی و نهایی به پایان می‌رسد (طالب احمدی، ۱۳۹۲: ۱۷). هدف این مرحله، فراهم آوردن بستری برای امکان‌سنجی، بررسی‌های دقیق و مذاکره است تا پایه‌ای محکم برای رابطه بلند قرارداد، شکل گیرد. در این دوره، اگرچه تعهد قطعی و رسمی ایجاد نشده، اما طرفین، وارد مراحل جدی تبادل اطلاعات، ارزیابی شروط و بررسی قابلیت‌های یکدیگر می‌شوند. از منظر حقوقی، این مرحله با چالش‌هایی همچون حفظ محرمانگی اطلاعات، مسؤولیت ناشی از مذاکرات، تعیین حدود تعهدات طرفین و ... همراه است که فقدان چارچوب مشخص در لایحه تجارت درباره آن، بر پیچیدگی‌های آن می‌افزاید. واکاوی این دوره، از آن جهت ضروری است که بسیاری از منازعات، ریشه در ابهامات و تعاملات این مرحله دارد. بنابراین، در تدوین نظام حقوقی جامع برای نهاد فرانچایز، تبیین موضع فقه و حقوق نسبت به ماهیت، آثار و الزامات که در ماده‌های ۳۲۰ و ۳۱۸ لایحه تجارت، تدوین شده است گامی اساسی محسوب می‌گردد.

۱-۳- ماده ۳۲۰ لایحه تجارت

این ماده با الزام امتیاز دهنده، به افشای شفاف و صادقانه‌ی اطلاعات، سازوکاری حقوقی برای توازن داده‌ها ایجاد می‌نماید. این الزام در راستای اصلاح عدم تعادل اطلاعاتی ذاتی در روابط فرانچایز عمل کرده و گامی ضروری در تحقق «اخلاق اطلاعاتی» در قراردادها محسوب می‌شود. هدف غایی این تدبیر، تأمین عدالت معاوضی در چارچوب قراردادی است که به دلیل برتری آگاهی بعضی از طرفین، ماهیتاً نابرابر تلقی می‌گردد.

تبصره این ماده ضمانت اجرای این الزام اساسی است و دو دسته حق برای امتیاز گیرنده قائل می‌شود، حق فسخ قرارداد و حق

مطالبه جبران خسارت؛ آنچه در ماده ۳۲۰ شایسته تحلیل است، تضمین سلامت قرارداد از طریق مبنای نفی غرر و جلوگیری از ورود ضرر غیر متعارف به وسیله مبنای نفی ضرر و جبران خسارت ناشی از اغفال و فریب به کمک مبنای غرور و همچنین نهادینه کردن مسؤولیت پذیری طرفین قرار داد با مبنای اقدام است که به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد.

۳-۱-۱- مبنای نفی غرر

مبنای نفی غرر بر این اصل استوار است که «غرر» (ابهام فاحش، خطر غیر متعارف، چهل قابل اعتنا به موضوع یا اوصاف اساسی معامله) به عدالت معاوضی آسیب می‌زند و رضایت حقیقی طرفین را مخدوش می‌سازد. در قراردادهای نوین مانند فرانچایز، اطلاعات ناقص یا نادرست، مصداق بارز «غرر» است که می‌تواند به بی‌ثباتی قرارداد، سوءاستفاده از قدرت اطلاعاتی و خسارات کلان بینجامد.

ضمانت اجرای این اصل، بطلان مطلق معامله است. این بطلان، وضعیتی قهری است و نیازی به درخواست فرد مبتلای به غرر ندارد؛ معامله از ابتدا باطل و فاقد اثر حقوقی است، مانند فروش برده‌ای از بردگان «که معلوم نیست چگونه برده‌ای است» و یا فروش عبد فراری (صانعی، ۱۳۷۲: ۲/ ۶۷۶).

مستند قاعده حدیث نبوی «نهی رسول الله عن بیع الغرر» (حر عاملی، ۱۳۹۱ق: ۱۲/ ۳۳۰)، اجماع فقها (نجفی، ۱۹۸۱: ۲۲/ ۳۸۷) و سیره عقلاء است (حسینی، ۱۲۱۷ق: ۲/ ۳۱۲-۳۱۳).

۳-۱-۱-۱- نقاط قوت ماده در پرتو مبنای نفی غرر

الف) تلاش برای شفافیت اجباری: ماده با الزام امتیاز دهنده به افشای اطلاعات کلیدی، مستقیماً به کاهش «جهل» (عنصر سازنده غرر) در طرف ضعیف‌تر (متقاضی امتیاز) می‌پردازد. این رویکرد، پیشگیرانه و مبتنی بر عدالت اطلاعاتی است.

ب) پوشش حوزه‌های غررزا: موارد درخواست اطلاعات (از سوابق دعاوی و ورشکستگی تا اطلاعات رقبای نزدیک و علل قطع همکاری) به حوزه‌های آسیب‌زا و مبهمی اشاره دارد که معمولاً از دید امتیاز گیرنده پنهان می‌ماند و می‌تواند سبب غرر شود.

۳-۱-۱-۲- نقاط ضعف ماده از منظر مبنای نفی غرر

بر حسب مبنای غرر قانون‌گذار باید ضمانت اجرای بطلان معامله را در تبصره ماده ۳۲۰ پیش‌بینی می‌کرد. بنابراین، عدم اشاره تبصره به بطلان موجب نقص ماده است

۳-۱-۲- مبنای نفی ضرر

مبنای نفی ضرر یکی از مشهورترین و اساسی‌ترین قواعد فقهی است که به معنای نفی هرگونه ضرر و زیان نامشروع در شریعت است. این نفی می‌تواند به معنای نفی حکم ضرری باشد؛ یعنی هیچ حکمی از جانب شرع (و به تبع آن، قانون) صادر نمی‌شود که موجب ضرر غیر متعارف و غیرقابل جبران بر مکلف یا دیگری گردد. اگر حکمی منجر به ضرر شود، به استناد این قاعده، آن حکم برداشته می‌شود (انصاری، ۱۴۱۴ق: ۱۱۴؛ خراسانی، ۱۴۱۰ق: ۲۸۲).

مهم‌ترین مستند، حدیث نبوی مشهور «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» است که در جریان قضایی ماجرای «سمره بن جندب» از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است (نوری، ۱۳۱۸ق: ۳/ ۱۵۰). در حقوق قراردادهای ملموس‌ترین و کارآمدترین ضمانت اجرا برای قاعده نفی ضرر، «حق فسخ یک‌جانبه قرارداد» است.

۳-۱-۲-۱- نقاط قوت ماده در پرتو مبنای نفی ضرر

الف) لزوم افشای اطلاعات: عدم افشای اطلاعات یا افشای نادرست، باعث ایجاد یک «عدم تقارن اطلاعاتی» خطرناک می‌شود. متقاضی در جهل مرکب قرار گرفته و ممکن است سرمایه، وقت و نیروی کار خود را در یک کسب‌وکاری ناسالم و پر ریسک سرمایه‌گذاری کند. این سرمایه‌گذاری در تاریکی، مصداق بارز «ضرر» مالی (و حتی معنوی) است که قاعده لا ضرر نافی آن است.

ب) ضمانت اجرای حق فسخ: حکم اولیه «لزوم قرارداد» برای فرانچایز گیرنده که قربانی فریب یا تقصیر طرف مقابل شده، حکمی ضرری است. الزام او به ادامه قرارداد، استمرار همان ضرر اولیه و ایجاد خسارات بیشتر است. تبصره ماده ۳۲۰ دقیقاً مطابق قاعده نفی ضرر عمل کرده و با رفع آن حکم ضرری، به طرف زیان‌دیده «حق فسخ» اعطا می‌کند. فسخ قرارداد، ابزار حقوقی قدرتمندی برای «دفع ضرر آینده» و رهایی از تبعات یک قرارداد مخاطره‌آمیز است.

۲-۱-۳- نقاط ضعف ماده از منظر مبنای نفی ضرر

الف) ابهام در مفهوم و معیار «ضرر»: قاعده نفی ضرر، ملاک تشخیص ضرر را «عرف» می‌داند. اما در ماده ۳۲۰ مشخص نشده که آیا هرگونه کوتاهی در افشا (و لو جزئی) حق فسخ می‌آورد یا ضرر باید «فاحش و غیرمتعارف» باشد؟ این ابهام می‌تواند منجر به تفسیرهای گسترده یا محدود گردد.

ب) سکوت درباره سایر ضمانت اجراها: تبصره ماده ۳۲۰ اگرچه به ضمانت اجرای حق فسخ اشاره کرده، اما نسبت به سایر کیفیات مانند امکان اجبار به اجرای تعهد اصلی (الزام به افشا) یا تنفیذ قرارداد با تعدیل (در مواردی که ضرر جزئی است) ساکت است. نظام حقوقی می‌تواند با توجه به قواعد، طیفی از ضمانت اجراها را پیش‌بینی کند.

۳-۱-۳- مبنای غرور

هرگاه شخصی (غار) با رفتار، گفتار یا سکوت خود، سبب ایجاد تصور نادرست و اعتماد فریبنده در دیگری (مغرور) گردد و انجام این عمل به ورود خسارت بیانجامد، (غار) ضامن جبران تمامی زیان‌های وارده است. در چنین وضعیتی، قرارداد منعقد شده نیز ممکن است به درخواست طرف فریب‌خورده قابل فسخ یا در مواردی باطل گردد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق: ۲/ ۲۹۳). قدر متیقن این قاعده، موردی است که (غار) عالم به تحقق غرور و (مغرور) جاهل به واقع است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵ق: ۲۸۸). لکن مبنای این مسئولیت (گول زدن، از عناوین قصدی نیست و تحقق آن نیازی به قصد فاعلش ندارد) اصل ورود ضرر در سایه ایجاد اعتماد ناروا است، نه تقصیر عمدی؛ بنابراین، حتی اگر فریب‌دهنده خود جاهل یا مغبون باشد، مسئولیت جبران خسارت از او ساقط نمی‌شود (بجنوردی، ۱۴۱۹ق: ۱/ ۲۷۷).

مستند قاعده غرور: اجماع، بنای عقلا و روایت مشهور «المغرور يرجع الی من غره» گرچه این روایت در کتب اربعه نیست، اما نزد فقها مشهور و مورد استناد است (طوسی، ۱۳۸۷ق: ۵۸؛ کلینی، ۱۳۷۷: ۴۰۴-۴۱۰/ ۵).

ضمانت اجرای اصلی این قاعده، مسئولیت مدنی غار (فریب‌دهنده) در قبال جبران خسارت مغرور است (خمینی، ۱۳۷۹: ۴۵۱-۴۵۳/ ۲).

در مسأله بیع فضولی، فروشنده فضولی (الف) غار است زیرا با عمل خود (فروش و تظاهر به مالکیت) باعث فریب خریدار (ب) که مغرور است شده. خریدار نیز بر اساس این فریب پول پرداخت کرده و اکنون متحمل ضرر (از دست دادن پول و خانه) شده است. بر اساس قاعده غرور، خریدار مغرور (ب) این حق را دارد که تمام خسارات خود (مانند مبلغ خرید و حتی هزینه‌های متعارف مرتبط) را از فروشنده فضولی (الف) به‌عنوان غار مطالبه کند. این مثال به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه قاعده غرور برای حمایت از طرف فریب‌خورده و متضرر، مسئولیت را مستقیماً به گردن عامل ایجادکننده، می‌اندازد (رهبر و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۲۱).

۳-۱-۳-۱- نقاط قوت ماده ۳۲۰ با توجه به مبنای غرور

الف) قانون‌گذار با الزام امتیاز دهنده به افشای اطلاعات مشخص پیش از عقد و تعیین ضمانت اجرا برای عدم ارائه یا ارائه اطلاعات خلاف واقع، عملاً عمل غرورآمیز را شناسایی و تقبیح کرده است. این منطبق با قاعده غرور است.

ب) تبصره ماده به صراحت مسئولیت جبران خسارات طرف مقابل را برای امتیاز دهنده مقرر می‌دارد. این نگاه، هدف اصلی قاعده غرور (جبران ضرر وارده به مغرور) را در نظام حقوق تجارت مدرن پیاده می‌کند و از نگاه صرف به بطلان یا فسخ، فراتر می‌رود.

۳-۱-۳-۲- نقاط ضعف ماده ۳۲۰ با توجه به مبنای غرور

الف) ماده صرفاً به «عدم ارائه» یا «ارائه خلاف واقع» اطلاعات مصرح در ماده می‌پردازد. درحالی‌که قاعده غرور فراتر می‌رود و سکوت اختیاری در مورد حقایق مهم غیر مصرح و ابهام‌آفرینی عمدی را نیز در برمی‌گیرد. این نقص، دامنه حمایتی قاعده را محدود می‌کند.

ب) تبصره به «جبران خسارات» اشاره کرده اما حیطه آن را مشخص نکرده است. درحالی‌که قاعده غرور، جبران کلیه ضررهای مستقیم و بعضاً غیرمستقیم (مانند هزینه فرصت از دست رفته یا هزینه‌های انجام شده در سایه اعتماد) را ممکن می‌داند. این خلأ می‌تواند در عمل به اختلاف در آرای قضایی بینجامد.

پ) چالش اثبات رابطه سببیت: برای استناد به قاعده غرور و جبران خسارت ناشی از آن، باید ثابت شود که خسارت وارد شده مستقیماً ناشی از تخلف اطلاعاتی طرف مقابل است. در فضای

خسارت مطالبه کند؛ زیرا خودش به زیان خویش اقدام کرده است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ ق: ۵/ ۳۵).

۱-۳-۴-۱- نقاط قوت ماده با توجه به مبنای اقدام

الف) به رسمیت شناختن نقش آگاهی: تبصره ماده با محروم کردن «امتیاز گیرنده آگاه» از حق فسخ و مطالبه خسارت (در تفسیر ظاهری)، عملاً اصل قاعده اقدام را پذیرفته و نشان می‌دهد که آگاهی قبلی، وضعیت حقوقی شخص را دگرگون می‌سازد.

ب) تشویق به احتیاط و مسؤولیت‌پذیری: این رویکرد، انگیزه‌ای برای امتیاز گیرندگان ایجاد می‌کند تا با بررسی و دقت پیش از عقد، از ورود آگاهانه به مخاطره اجتناب نمایند که همسو با فلسفه قاعده اقدام در پیشگیری از زیان‌های ناشی از بی‌احتیاطی است.

پ) تمایز بین حالت انفعالی و فعال: ماده با ایجاد تفاوت بین امتیاز گیرنده ناآگاه (مورد حمایت) و آگاه، منطق قاعده اقدام را که بر تفاوت بین «مغرور» و «مقدم» تأکید دارد، در بافت تجاری فرانچایز پیاده می‌کند.

۲-۳-۴-۱- نقاط ضعف ماده با توجه به مبنای اقدام

الف) ساده‌انگاری و حکم مطلق: قاعده اقدام در فقه و حقوق مدرن، اغلب مطلق نیست و درجات تقصیر را می‌سنجد. اما تبصره ماده، با حکمی صفر و صد (کاملاً مسؤول یا کاملاً بری)، ظرافت‌های «تقصیر مشارکتی» یا «درجه‌بندی مسؤولیت» را که ذیل قاعده اقدام قابل طرح است، نادیده می‌گیرد.

ب) خلأ حکمی در توزیع مسؤولیت: ماده ساکت است که اگر امتیاز گیرنده آگاه باشد، آیا امتیاز دهنده متخلف (که به تکلیف اطلاع‌رسانی خود عمل نکرده) کاملاً از مسؤولیت مبرا می‌شود؟ این سکوت، ممکن است به تفسیری بینجامد که با بخشی از فلسفه قاعده اقدام (که نفی مسؤولیت مطلق از دیگری است) مغایرت دارد، زیرا تقصیر اولیه امتیاز دهنده را به کلی نادیده می‌گیرد.

پ) ایجاد انگیزه معکوس: رویکرد ظاهری ماده ممکن است به جای تشویق به احتیاط عقلانی، به رفتارهای فرصت‌طلبانه از هر دو طرف بینجامد (امتیاز دهنده برای ایجاد «آگاهی ضمنی»، امتیاز گیرنده برای ادعای «ناآگاهی»). این پیامد، با هدف قاعده اقدام که تعادل و انصاف است، همخوانی ندارد.

پیچیده کسب‌وکار، اثبات این رابطه سببیت برای فرانچایز گیرنده‌ای که ممکن است تجربه کمی داشته باشد، دشوار است و ماده در این زمینه راهکار حمایتی خاصی پیش‌بینی نکرده است. بایسته است تا بار اثبات را بر عهده طرف صاحب قدرت و نفوذ یعنی فرانچایز دهنده قرار دهد.

۴-۳-۱-۴- مبنای اقدام

این قاعده با عباراتی چون «من تعرض للتلف فلا ضمان علی الغير» بیان شده و ناظر بر این است که «هرگاه شخصی با توجه و آگاهی، عملی را انجام دهد که موجب ورود زیان توسط دیگران به او گردد، واردکننده زیان، که شخص دیگری است، مسؤول خسارت نخواهد بود. فقها عدم مسؤولیت واردکننده زیان را مستند به «اقدام» دانسته‌اند؛ بدین بیان که شخص با اقدام خود موجب از بین رفتن حرمت مالش شده است. در حقیقت «اقدام» در این معنا مانعی است برای اجرای قواعد ضمان قهری از جمله قاعده احترام؛ چراکه «قاعده احترام»، قاعده‌ای است برای حمایت شرع از صاحبان اموال و تردید نیست که اگر صاحب‌مال خودش حرمت مال خویش را ضایع سازد، مورد حمایت شرع قرار نخواهد گرفت. چنانچه مستند ضمان برای زیان زننده، قاعده لا ضرر باشد نیز قضیه از همین قرار است، چون جای تردید نیست که قاعده لا ضرر برای حمایت از متضرری است که خود را در معرض ضرر احتمالی قرار ندهد» (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق: ۱/ ۲۲۱). بنابراین مستندات این قاعده عبارتند از: حدیث مشهور «لا ضرر و لا ضرار»، روایات وارده در باب ضمان که بر عدم مسؤولیت در صورت اقدام دلالت دارند و نیز استنباط عقلایی از عدالت که مداخله آگاهانه را مسقط ضمان می‌داند.

ضمانت اجرای این قاعده، سقوط یا کاهش مسؤولیت جبران خسارت از سوی طرف مقابل است. به بیان دیگر، اگر زیان‌دیده با علم و اراده، اقدام به عملی کند که موجب ورود زیان می‌شود، حق او برای مطالبه جبران کامل خسارت از بین می‌رود یا به تناسب تقصیرش کاهش می‌یابد. این ضمانت اجرا، هم در مرحله دادرسی (به‌عنوان دفاعی برای خوانده) و هم در مرحله تنظیم روابط قراردادی (به‌عنوان یک قاعده تکمیلی) اثرگذار است.

مثال: هرگاه شخصی با آگاهی به غبن فاحش، اقدام به فروش یا خرید و یا اجاره چیزی کند، نه حق خیار فسخ دارد و نه می‌تواند

۴-۵-۱-۳- افزودن دو بند به بندهای ماده ۳۲۰

الف) اطلاعات مربوط به سودآوری متوسط یا شاخص‌های عملکرد مالی امتیازهای مشابه در مناطق قابل مقایسه در سه سال اخیر. (این اطلاعات به رفع غرر در مهم‌ترین بخش معامله کمک می‌کند.)

ب) بیان صادقانه هرگونه محدودیت یا خطر جدی و شناخته شده آینده برای کسب‌وکار که امتیاز دهنده از آن آگاه است.

حاصل آنکه ماده ۳۲۰ با تلفیق قواعد سنتی عدالت محور با مقتضیات تجارت مدرن، ساختاری متعادل و منسجم ایجاد کرده است. پیشنهادهای تقنینی فوق، در راستای تکمیل و عینیت بخشیدن هر چه بیشتر به همین فلسفه، تنظیم شده و می‌تواند بر استحکام و قابلیت اجرای این ماده بیفزاید.

۲-۳- ماده ۳۱۸ لایحه تجارت

این ماده با درک ماهیت ویژه این قرارداد که در آن (فرانچایز گیرنده) سرمایه، اعتبار و فعالیت خود را به یک مجموعه بیرونی وابسته می‌نماید، تلاش کرده تا با وضع تعهداتی الزام‌آور برای (فرانچایز دهنده)، تعادل و امنیت حقوقی لازم را در این رابطه نابرابر، ایجاد کند.

هسته اصلی این ماده، تمرکز بر «حقوق مالکیت فکری» به عنوان بنیان و جوهره قرارداد فرانچایز است. ماده سه تعهد اساسی را به صورت اجباری بر عهده امتیاز دهنده می‌گذارد: تصریح می‌کند که امتیاز دهنده باید این حقوق را به شکل قانونی کسب نموده، و در مواردی که ثبت آن‌ها ضروری است، به ثبت رسانده، افزون بر این، امتیاز دهنده موظف است ضامن اعتبار این حقوق در طول تمام دوره قرارداد باشد.

این تعهدات، تنها توصیه‌هایی اخلاقی نیستند، بلکه از دیدگاه حقوقی، «قاعده‌ای آمره» محسوب می‌شوند. به این معنا که طرفین قرارداد نمی‌توانند برخلاف آن‌ها توافق کنند و هر شرط مخالفی باطل خواهد بود. همچنین، این شروط «قهری» هستند، یعنی حتی اگر در متن قرارداد ذکر نشده باشند، به حکم قانون بر عهده امتیاز دهنده قرار می‌گیرند و امتیاز گیرنده می‌تواند به آن‌ها استناد کند. این رویکرد، نشان‌دهنده اراده قانون‌گذار بر حمایت فعال از طرف دارای دسترسی کمتر به اطلاعات و قدرت چانه‌زنی پایین‌تر در این عقد تجاری پیچیده است.

ت) عدم پیش‌بینی معیار برای «آگاهی»: ماده معیاری برای تعیین کیفیت و میزان آگاهی که موجب سقوط حق می‌شود ارائه نمی‌دهد. آیا آگاهی به کلیت نقص، کافی است یا آگاهی به جزئیات و نتایج خاص؟ این ابهام، اجرای دقیق قاعده اقدام را با چالش مواجه می‌سازد.

۵-۱-۳- پیشنهادهای تقنینی

۱-۵-۱-۳- تعیین مرجع نظارتی و ضرب‌الاجل مشخص

ماده ۳۲۰ مرجع دریافت اطلاعات و زمان‌بندی دقیق آن را مشخص نکرده است. از این رو پیشنهاد می‌گردد که «امتیاز دهنده مکلف است اطلاعات مذکور در ماده (۳۲۰) را حداقل (۳۰) روز پیش از انعقاد قرارداد، به صورت مکتوب و در قالب فرم استاندارد که توسط اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران تهیه می‌شود، در اختیار متقاضی قرار دهد و رسید دریافت کند.» این امر، شفافیت را عینیت بخشیده و از اختلافات آتی بر سر نفس افشا جلوگیری می‌نماید.

۲-۵-۱-۳- تشدید ضمانت اجرا در صورت تقصیر عمدی

در ماده ۳۲۰ تفاوتی بین تقصیر اندک و فریب عمدی (تدلیس) وجود ندارد. از این رو افزودن تبصره‌ای بدین مضمون پیشنهاد می‌گردد: «چنانچه عدم ارائه یا ارائه خلاف واقع اطلاعات، از سر تقصیر عمدی یا تدلیس باشد، دادگاه می‌تواند علاوه بر جبران خسارت، حکم به پرداخت جریمه نقدی تا معادل (۳۰٪) منافع قراردادی پیش‌بینی شده برای امتیاز دهنده در سال اول قرارداد، به نفع امتیاز گیرنده صادر نماید.» این پیشنهاد، نقش بازدارندگی جدی در برابر فریب عمدی ایفا می‌کند.

۳-۵-۱-۳- پیش‌بینی سازوکار تحدید م سؤولیت برای امتیاز گیرنده آگاه

با توجه به ظهورات ماده، حدود «آگاهی» امتیاز گیرنده می‌تواند محل مناقشه گردد. برای تکمیل منطق قاعده اقدام، پیشنهاد تقنینی افزودن بندی به تبصره است: «امتیاز گیرنده آگاه، آگاه محسوب می‌شود که رسید مکتوب حاوی اطلاعات کامل ماده (۳۲۰) را امضا کرده یا در قرارداد یا ضمیمه آن، تصریح شده باشد که کلیه اطلاعات مورد نظر را دریافت و بررسی نموده و با آگاهی از آن‌ها مبادرت به انعقاد قرارداد می‌نماید.» این بند، با ایجاد دلیل روشن بر آگاهی، از سوءاستفاده احتمالی امتیاز گیرندگان نیز جلوگیری کرده و تعادل را حفظ می‌کند.

۱-۲-۳- مبنای نهی از مواکله باطل

مستند قاعده عبارت است از آیه شریفه «و لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل...» (بقره/ ۱۸۸)؛ گستره معنایی «باطل» در فقه و حقوق، می‌تواند هرگونه کسب مال بدون مجوز شرعی و قانونی را شامل شود. چه از طریق اسباب باطل، باشد؛ مانند: قمار، معامله ربوی و ... و یا هر کالایی که مصداق باطل است و شرعا نتوان آن را مال مورد مبادله قرار داد، مانند: عوضین بی فایده مطلقا، یا بدون منفعت حلال و ...، یا امور جانبی. به دیگر سخن: آیه درصدد نهی از سبب باطل است، اعم از اینکه مشکل به‌طور مستقیم در نفس سبب باشد (مانند قمار و ربا) یا در عوض باطل باشد (مانند خرید و فروش خمر). شیخ انصاری در مواضعی چند، مبادله دوم را هم چون اسباب باطل، مصداق مواکله باطل می‌داند (مثلا در جایی که خریدار متعهد می‌شود از منفعت حرام کالا استفاده کند) (انصاری، ۱۴۲۰ق: ۱۱۵ - ۱۲۸).

سرمایه‌گذاری فرانچایز گیرنده (شامل حق امتیاز، هزینه تجهیزات، آموزش و ...) در گرو اعتبار و انحصار حقوق مالکیت فکری است. اگر این حقوق معیوب باشند یا در طول قرارداد (مثلا به دلیل ادعای شخص ثالث یا ابطال ثبت) اعتبار خود را از دست بدهند در واقع امتیاز گیرنده مال خود (سرمایه‌اش) را در ازای یک «عوض باطل» یا «حق زائل شده» از دست داده است که این خود مصداقی از «اکل مال به باطل» علیه امتیاز گیرنده محسوب می‌شود؛ و می‌توان آن را «مواکله باطل» دانست؛ و شاید بتوان مورد را نمونه (اسباب باطل) دانست. برای مثال می‌توان چنین گفت: معامله به قصد کلاهبرداری و خوردن مال غیر، نادرست و غیر صحیح و اکل مال به باطل است (علیدوست، ۱۳۹۵: ۲۱۰/۱ - ۲۳۵).

ضمانت اجرای این مبنا بطلان معامله و حرمت مال کسب‌شده است زیرا فقها، هنگام بحث از شرایط صحت معاملات یا بررسی مصادیق خاصی مانند معامله فضولی، غصب، ربا و معامله غرری، مستقیما به آیه شریفه «لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل» استناد می‌جویند و حکم به بطلان معامله و حرمت مال کسب‌شده از این طرق می‌دهند.

۱-۲-۳-۱- نقاط قوت ماده در پرتو مبنای نهی از مواکله باطل

(الف) پیشگیری ساختاری از تحصیل مال نامشروع (باطل) توسط امتیاز دهنده: ماده با الزام امتیاز دهنده به «کسب قانونی» و «ثبت» حقوق مالکیت فکری، به‌صورت ریشه‌ای مانع از آن می‌شود که

وی از طریق قراردادی که موضوع آن فاقد مشروعیت اولیه است (مانند علامت تجاری سرقتی یا دانش فنی تحصیل شده از راه خیانت در امانت)، به «اکل مال» بپردازد. دریافت هرگونه وجه (حق امتیاز، مبلغ اولیه و...) از امتیاز گیرنده در ازای انتقال حقی که قانونا و شرعا مالک آن نیست، مصداق بارز «اکل مال به باطل» است. این ماده با ایجاد این مانع پیشینی، از وقوع این فعل حرام و باطل جلوگیری می‌کند.

(ب) حمایت از امتیاز گیرنده در برابر از دست دادن مال خود به باطل: سرمایه‌گذاری امتیاز گیرنده (شامل حق امتیاز، هزینه تجهیزات، آموزش و ...) در گرو اعتبار و انحصار حقوق مالکیت فکری است. اگر این حقوق معیوب باشند یا در طول قرارداد اعتبار خود را از دست بدهند (مثلا به دلیل ادعای شخص ثالث یا ابطال ثبت)، در واقع امتیاز گیرنده مال خود را (سرمایه‌اش) در ازای یک «حق باطل» یا «حق زائل شده» از دست داده است که این خود مصداقی از «اکل مال به باطل» علیه امتیاز گیرنده محسوب می‌شود. ماده ۳۱۸ با الزام به «ضمانت اعتبار در طول دوره قرارداد» و مسؤولیت تضمینی سنگین امتیاز دهنده، سازوکار جبرانی قدرتمندی ایجاد می‌کند تا در صورت وقوع چنین وضعیتی، مال از دست رفته امتیاز گیرنده بازگردانده شود و ضرر وی جبران گردد. این ضمانت اجرا، بازدارنده از وقوع «باطل» و جبران‌کننده آثار آن است.

۱-۲-۳-۲- نقاط ضعف ماده از منظر مبنای نهی از مواکله باطل

(الف) فقدان ضمانت اجرایی مشخص در صورت نبود مالکیت: در صورتی که امتیاز دهنده اصالتا فاقد حقوق مالکیت فکری باشد، آیا کل قرارداد باطل است یا فقط بخش مربوط. این سکوت، با توجه به مرکزیت مالکیت فکری در قرارداد فرانچایز، یک خلأ بزرگ ایجاد می‌کند.

تأمین امنیت سرمایه‌گذاری امتیاز گیرنده با شفاف‌سازی دامنه ضمانت اعتبار حاصل می‌گردد. ایجاد ضمانت اجرای متناسب (بطلان و جبران خسارت) برای مواردی که هسته مرکزی قرارداد فقدان مالکیت فکری است، رویکردی است که از ورود طرفین به معاملات پرخطر جلوگیری می‌کند.

(ب) فقدان سازوکار نظارتی پیشگیرانه و پیش از عقد: ماده بیشتر ناظر به مسؤولیت مدنی پس از وقوع خسارت است. درحالی‌که قاعده نفی «اکل مال به باطل» ایجاب می‌کند تا حد ممکن از وقوع

مشخص کرده و از تعرض ناخواسته اشخاص ثالث که خود می‌تواند بی‌احترامی به آنان تلقی شود، جلوگیری می‌کند. دوم و مهم‌تر، با ارائه سند رسمی به امتیاز گیرنده، «ابهام» را از مهم‌ترین رکن قرارداد می‌زداید. احترام واقعی زمانی محقق می‌شود که طرفین با آگاهی کامل وارد معامله شوند. این شفافیت اجباری، مبنای تصمیم‌گیری محترمانه امتیاز گیرنده را فراهم می‌سازد.

۲-۲-۳- نقاط ضعف ماده از منظر مبنای احترام

الف) تعارض احترام مال فرانچایز گیرنده و احترام مال فرانچایز دهنده در سایه سکوت ماده در برابر نقصان عهد ناشی از عوامل غیر پیش‌بینی: قاعده احترام، حرمت مال هر یک از طرفین عقد را به یکسان مورد حمایت قرار می‌دهد. این قاعده دستوری مطلق نیست که در تطبیق، خود سبب بی‌حرمتی گردد. اگر «حفظ عهد» و ایفای تعهد «ضمانت اعتبار» به دلیل عاملی خارج از اراده امتیاز دهنده و غیرقابل پیش‌بینی (قوه قاهره) ناممکن گردد، الزام مطلق و بدون قید و شرط به «ضمانت اعتبار» می‌تواند خود منجر به نتیجه‌ای مغایر با حکم قاعده احترام نسبت به مال و موقعیت امتیاز دهنده شود.

این ماده با بیان مطلق «ضامن اعتبار این حقوق در طول دوره قرارداد است»، هیچ تعدیل یا راه‌حلی برای این وضعیت‌های غیرمترقبه پیش‌بینی نکرده است. این سکوت می‌تواند در شرایط خاص، امتیاز دهنده‌ای را که خود قربانی وضعیتی خارجی و قاهر شده، در موضع نقض عهد قرار دهد، حال آنکه او فاقد هرگونه تقصیر و توان جلوگیری است. این نتیجه، با روح قاعده احترام که قائل به حرمت یکسان اموال طرفین و نفی ظلم است، در تعارض قرار می‌گیرد.

ب) ابهام در دامنه و ضمانت اجرای «اعتبار»: مفهوم «اعتبار حقوق» مفهومی گسترده و قابل تفسیر است. آیا صرف حفظ سند ثبت شده کافی است؟ یا «اعتبار» شامل حفظ ارزش تجاری، تمایز و قدرت رقابتی علامت نیز می‌شود؟ اگر امتیاز دهنده از حق خود در مقابل رقبای متقلب دفاع قانونی نکند و این سهل‌انگاری به تضعیف شدید برند بینجامد، آیا نقض «ضمانت اعتبار» محقق شده است؟ ماده در این زمینه ساکت است. این ابهام می‌تواند هم به سوءاستفاده امتیاز دهنده بی‌احترام (با تفسیر مضیق) بینجامد و هم موجب دعاوی بی‌پایان (با تفسیر موسع) شود. عدم شفافیت در این امر مهم، اصل «حفظ عهد» را از وضوح و قابلیت اجرای

خود عمل باطل جلوگیری شود. ماده مکانیسم الزام‌آور و مؤثری برای اعمال نظارت پیش از عقد بر ادعاهای امتیاز دهنده پیش‌بینی نکرده است. مثلاً: الزامی به ارائه گواهی صحت و سلامت مستند به مدارک رسمی توسط امتیاز دهنده قبل از انعقاد قرارداد وجود ندارد. نهادهای برای اعتبار سنجی اولیه ادعاهای امتیاز دهنده درباره مالکیت و اعتبار حقوقش پیش‌بینی نشده است. این خلأ باعث می‌شود امکان انعقاد قراردادهای ذاتاً باطل (به دلیل موضوع نامشروع) یا آمیخته با فریب، زیاد باشد و تنها پس از گذشت زمان و ورود خسارت، چاره‌جویی شود که این با روحیه پیشگیرانه قاعده «نهی از اکل مال به باطل» همخوانی کامل ندارد.

۲-۲-۳- مبنای احترام

قاعده احترام، قاعده‌ای است فقهی - حقوقی که بر حرمت نهادن به مال مسلمان تأکید می‌ورزد؛ و هرگونه تعرض به آن را، ممنوع و مستوجب ضمان می‌داند (انصاری، ۱۴۲۰ق: ۱۰۳؛ طباطبایی یزدی، بی‌تا: ۱/ ۱۷۶).

مستند این قاعده، روایاتی چون موثقه ابی بصیر از امام باقر علیه‌السلام است که فرمودند: حرمت مال مسلمان، چون حرمت خون اوست (کلینی، ۳۷۷: ۲/ ۲۶۸؛ ایروانی، ۱۴۲۱: ۱/ ۸۷)؛ همچنین به اجماع و سیره متشرعه تمسک شده است (مصطفوی، ۱۳۹۰: ۲/ ۱۰۷). ضمانت اجرای قاعده، عبارت است از مسؤولیت مدنی و لزوم جبران خسارت (موسوی خوئی، ۱۴۲۲ق: ۳۹۱).

۱-۲-۲-۳- نقاط قوت ماده در پرتو مبنای احترام

الف) تأکید بر مشروعیت اولیه و تضمین استمرار: این ماده با الزام به «کسب قانونی» و «ضمانت استمرار اعتبار»، دو نقطه کلیدی یک رابطه محترمانه را پوشش می‌دهد و تنها به صحت شروع رابطه اکتفا نمی‌کند، بلکه با درک مفهوم «حفظ عهد» به عنوان یک تعهد جاری، مسؤولیت امتیاز دهنده را در طول زمان زنده نگاه می‌دارد. این دو امر (صحت آغاز + التزام مستمر)، سازوکار قدرتمندی برای پیشگیری از فریب و خیانت به اعتماد سرمایه‌گذار ایجاد می‌کند و احترام به طرف قرارداد را از یک ادعای صوری به یک تعهد عملیاتی جامع تبدیل می‌نماید.

ب) پیشگیری از ابهام و خطر، و تقویت شفافیت: الزام به ثبت حقوق در مراجع رسمی، از دو جهت جلوه‌ای از احترام است. نخست، با اعلان عمومی مالکیت، مرزها را برای کل جامعه تجاری

مؤثر بازمی‌دارد و فضایی برای تزلزل در التزام به احترام کامل ایجاد می‌کند.

۳-۲-۳- پیشنهادهای تقنینی

۳-۲-۳-۱- ارائه مستندات

امتیاز دهنده موظف است پیش از انعقاد قرارداد، مدارک مثبت و گواهی‌های معتبر دال بر کسب قانونی و اعتبار جاری حقوق مالکیت فکری موضوع قرارداد را به امتیاز گیرنده ارائه نماید.

تبصره: «بدون ارائه مدارک مثبت، یا عدم اعتبار ذاتی آن، انعقاد قرارداد باطل بوده و کلیه وجوه و اموال منتقل شده از سوی امتیاز گیرنده با لحاظ ارزش زمانی، به همراه خسارات وارده، قابل استرداد است».

۳-۲-۳-۲- رفع ابهام از واژه اعتبار

تبصره: مقصود از «اعتبار» حقوق مالکیت فکری موضوع این ماده، حفظ تمامیت، انحصار، قدرت تمایز بخشی و ارزش تجاری این حقوق در طول مدت قرارداد است. امتیاز دهنده مکلف است اقدامات متعارف و لازم را برای صیانت از این حقوق در برابر تعرضات ثالث و جلوگیری از تضعیف یا زوال عمدی یا ناشی از تقصیر آن‌ها به عمل آورد. حکم این ماده در مواردی که زوال یا اختلال در اعتبار، ناشی از قوه قاهره یا حکم قطعی مرجع صلاحیت‌دار باشد، جاری نخواهد بود، مگر آنکه امتیاز دهنده در وقوع یا تشدید اثر آن مقصر شناخته شود.

۳-۳- افزودن ماده مستقل به مرحله پیش قراردادی لایحه تجارت

هنگامی که دو طرف برای بستن قرارداد وارد گفتگوهای مقدماتی می‌شوند و مرحله پیش قراردادی را آغاز می‌کنند زبان حال هر طرف بیانگر وجود یک رابطه اعتمادی است یعنی هر طرف با اطمینان به دیگری وارد گفتگو شده و انتظار ندارد طرف دیگر با ارتکاب رفتاری نکوهیده و متقلبانه او را از رسیدن به هدفش بازدارد و اعتماد متقابل اقتضا می‌کند با پیشرفت گفتگوها امید به بسته شدن قرارداد قوت گیرد؛ اما چنانچه در روند گفتگوهای مقدماتی یک طرف به عمد رفتار متقلبانه انجام دهد و از ابتدا با هدف بسته شدن قرارداد، اقدام ننماید بلکه به قصد آگاهی از اسرار شبکه و یا ضربه زدن به اعتبار آن اقدام نماید، در صورت شکست گفتگوها و ورود خسارات به طرف مقابل، بر اساس مبنای اتلاف، مسؤول جبران خسارت شناخته می‌شود.

۳-۳-۱- مبنای اتلاف

تعریف مبنای اتلاف در قانون مدنی ایران به تفصیل آمده است و آن عبارت است از: هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد، اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است (امامی، ۱۳۶۴، ماده ۳۲۸).

ضمان اتلاف، علاوه بر اتلاف حقیقی، اتلاف حکمی را هم شامل می‌گردد و این امر ملازمه با تصرف ندارد. همچنین تقصیر شرط نیست، ولی انتساب شرط است و باید این عامل که رکن اصلی ضمان است احراز گردد (شهید ثانی، بی‌تا: ۲/ ۲۴۵؛ کرکی، ۱۴۱۱ق: ۱/ ۳۶۲).

مستندات این قاعده در قرآن، «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم...» (بقره / ۱۹۰)، هر کس به شما تجاوز کرد پس بر او به‌مانند آنچه بر شما تجاوز کرد تجاوز کنید (طوسی، ۱۳۸۷ق: ۳/ ۶۰)، و در سنت، بسیاری از نصوصی که حاکی از مضمون این جمله است: «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» (حر عاملی، ۱۳۹۱ق: ۱۸/ ۲۳۸-۲۴۳ و ۱۳/ ۱۲۵-۱۲۹) و إجماع و بنای عقلا است (محقق داماد، ۱۳۶۶: ۹۱-۱۰۲).

ضمانت اجرای این قاعده جبران خسارت است از این‌رو در ماده ۲۲۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف، مسؤول خسارت طرف مقابل است» (مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۹۱).

۳-۳-۲- پیشنهاد تقنینی

اگر یکی از طرفین قرارداد بدون عذر موجهی از ادامه مذاکرات پیش قراردادی با اهداف متقلبانه سرباز زند، درحالی که طرف مقابل بر اثر اعتماد به انعقاد قرارداد آتی، خسارت دیده باشد، طرفی که قرارداد را بر هم زده است باید از عهده خسارات وارده برآید.

نتیجه‌گیری

بررسی فقهی - حقوقی مواد ۳۱۸ و ۳۲۰ لایحه تجارت در بخش پیش قراردادی نهاد فرانچایز، حاکی از درک نسبتاً جامع مقنن از ضرورت تبیین چارچوبی عادلانه و مبتنی بر موازین شرعی برای

منابع

- امامی، حسن (۱۳۶۴). *حقوق مدنی*. تهران: علمیه.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۴ق). *رسائل فقهیه*. قم: کنگره جهانی.
- انصاری، مرتضی (۱۴۲۰ق). *المکاسب*. قم: احیاء التراث.
- ایروانی، میرزا علی (۱۴۲۱ق). *حاشیه کتاب المکاسب*. قم: دار ذوی القربی.
- بجنوردی، سید محمدحسین (۱۴۱۹ق). *قواعد فقهیه*. قم: نشر الهادی.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۳۹۱ق). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. چاپ چهارم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسینی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق). *العناوین الفقهیه*. چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
- خراسانی، محمد کاظم (۱۴۱۰ق). *درر الفوائد فی الحاشیه علی الفرائد*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رهبر، مهدی و همکاران (۱۴۰۱). «تبیین قاعده غرور در معاملات فضولی». *فصلنامه پژوهش‌های حقوقی*، (۵۱).
- صانعی، سید مهدی (۱۳۷۲). *قواعد فقه*. (ترجمه القواعد و الفوائد، شهید اول). مشهد: دانشگاه فردوسی.
- طالب احمدی، حبیب (۱۳۹۲). *مسئولیت پیش‌قراردادی*. تهران: نشر میزان.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (بی‌تا). *حاشیه المکاسب*. قم: اسماعیلیان.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹ق). *العروة الوثقی*. قم: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، حسن بن علی (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الإمامیه* (ترجمه: کشفی، محمد تقی). چاپ سوم، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
- این رابطه اقتصادی پیچیده است. این واکاوی نشان می‌دهد که این مواد، با اتکا به مبانی مستحکم فقهی، تلاشی نظام‌مند برای ایجاد توازن بین منافع طرفین، پیشگیری از منازعات و نهادینه‌سازی اخلاق تجاری در مرحله حساس پیش قراردادی هستند.
- حاصل آنکه، این مواد، در کنار یکدیگر، سازه‌ای پیشگیرانه و حمایتی برای مرحله پیش از عقد فرانچایز می‌سازند. ماده ۳۱۸ بر سلامت و مشروعیت «موضوع» معامله نظارت دارد و ماده ۳۲۰ بر سلامت فرآیند تشکیل «رضایت» طرف ضعیف‌تر. این دوگانه، انعکاس هوشمندانه‌ای از فلسفه فقهی است که هم به «اصلح» (صلاحیت موضوع) و هم به «اصلاح» (روند عادلانه معامله) توجه دارد. اگرچه هر دو ماده با ابهامات یا نقص‌هایی در تعیین دقیق دامنه شمول و ضمانت اجراهای بازدارنده روبرو هستند که نیازمند تفسیر قضایی دقیق یا اصلاحات تقنینی تکمیلی است اما بدون تردید، گامی بلند و تحسین‌برانگیز در جهت «تدوین فقه اقتصادی پویا» و «تنظیم رابطه تجاری فرانچایز بر مبنای عدالت معاوضی و اخلاق اسلامی» محسوب می‌شوند. این مواد نشان می‌دهند که نظام حقوقی ایران می‌تواند با بهره‌گیری از گنجینه غنی فقه امامیه، پاسخگوی نیازهای پیچیده بازارهای مدرن باشد.
- ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.
- تعارض منافع:** در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.
- سهم نویسندگان:** نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.
- تشکر و قدردانی:** از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.
- تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش فاقد تأمین‌کننده مالی بوده است.

- عاملی، زین‌الدین (شهید ثانی) (بی‌تا). *مسالك الافهام فی شرح شریع الاسلام*. قم: دارالهدی.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۵). *فقه و حقوق قراردادها*. چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۵ق). *قواعد فقهیه*. چاپ دوم، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- کرکی، علی بن حسین (محقق کرکی) (۱۴۱۱ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: آل البیت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۷). *الکافی*. چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۴۰۶ ق). *قواعد فقه*. چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۶). *مباحثی از اصول فقه*، دفتر اول و دوم. چاپ چهارم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مصطفوی، سید کاظم (۱۳۹۰). *قواعد فقه*. (ترجمه: عزیز الله فهیمی). تهران: میزان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق). *قواعد فقهیه*. چاپ سوم، قم: مدرسه امیر المومنین (علیه‌السلام).
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹). *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). *مستند العروه الوثقی* کتاب الاجاره، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- نجفی، محمدحسین (۱۹۸۱). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوری، میرزا حسن (۱۳۱۸ق). *مستدرک الوسائل*. تهران: بی‌نا.